

روایت شاهد عینی از جمعه سیاه

۵ مهر ۱۳۹۴ ساعت ۱۵:۵۹

حادثه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ به عنوان نقطه عطف و سرآغاز قیام منسجم مردم برای پیروزی بر نظام ستم شاهی بود. چرا که به دنبال کشتار صدها تن از مردم، اراده و عزم رژیم در رویارویی با ملت، سخت به تردید و تزلزل افتاد و شیوه های مرسوم اعم از سرکوب و سازش در عمل شکست خورده بود و جدایی میان ملت و حکومت را عمیق تر کرده و امکان هر نوع پیوستگی و سازش را از بین برد.

شاهد عینی حادثه ۱۷ شهریور با بیان اینکه دلیل اصلی حضور مردم در میدان شهدا، کشتار مخالفین نظام در حسینیه علامه نوری بود افزود: با توجه به کشتار زیاد مردم، رسانه های خارجی شهدا را به عنوان خرابکاران نظام نامیدند.

حادثه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ به عنوان نقطه عطف و سرآغاز قیام منسجم مردم برای پیروزی بر نظام ستم شاهی بود. چرا که به دنبال کشتار صدها تن از مردم، اراده و عزم رژیم در رویارویی با ملت، سخت به تردید و تزلزل افتاد و شیوه های مرسوم اعم از سرکوب و سازش در عمل شکست خورده بود و جدایی میان ملت و حکومت را عمیق تر کرده و امکان هر نوع پیوستگی و سازش را از بین برد.

محمدعلی اخلاقی یکی از شاهدان عینی این حادثه است که جنایت های دژخیمانه رژیم پهلوی در کشتار اقشار مختلف مردم در جمعه سیاه ۱۷ شهریور را از نزدیک دیده است. گفت وگویی فارس با وی از نظرتان می گذرد.

محمدعلی اخلاقی بیان داشت: متولد ۱۳۴۰ منطقه غیائی تهران هستم. پدرم فرش فروش بازار تهران است و مادرم خانه دار؛ پس از رسیدن به سن تحصیله مقطع ابتدایی را در مدرسه فرزانه بیرجندی گذراندم و مقطع راهنمایی را نیز در مدرسه ابوریحان. دوره دبیرستان را در دبیرستان بهزاد شروع کرده و موافق به اخذ دیپلم در رشته حسابداری شدم.

از سنین نوجوانی به دلیل زمینه مذهبی که در خانواده بود، جذب مسجد موسی بن جعفر محله غیائی شده و پای درس آیت الله سعیدی به همراه عده دیگری از مردم به ویژه جوانان شدم و ضمن فراگیری قرآن با مسائل روز آشنا می شدیم.

پدرم به دلیل اینکه مقلد حضرت امام(ره) بود رساله و اعلامیه ایشان را از بازار به منزل می آورد و ما از این طریق با نظرات امام در مباحث مختلف از جمله مباحث دینی، سیاسی و بحث حجاب که در آن زمان معضل بزرگی بود آشنا می شدیم.

کم کم به دلیل بافت مذهبی و سیاسی محله غیائی در سال ۱۳۵۳ به همراه عده زیادی از مردم منطقه علناً وارد جریانات سیاسی شدیم و روز به روز با رشد روزافزون مخالفت های مردمی علیه رژیم شاه، انگیزه های زیاده تری برای مخالفت با رژیم در ما به وجود می آمد.

سال‌های ۵۶ و ۵۷ اوج فعالیت‌های سیاسی ما بود به شکلی که از طریق بازار تهران، مسجد آذربایجانی‌ها و همچنین اعلامیه‌ها و رساله‌های حضرت امام که توسط پدرم تهیه می‌شد فعالیت‌های زیادی در این زمینه می‌کردیم..

* میدان ژاله نام یک نظامی شاه

دلیل اصلی نامیدن میدان شهدا در زمان رژیم ستمشاهی به نام ژاله این بود که شاه آن را به نام یک نظامی برجسته خود نامیده بود. ۱۳ شهریور سال ۵۷ در تهران نماز عید فطر به امامت شهید مفتاح در تپه‌های قیطریه با حضور صدها هزار تن از مردم برگزار شد، ما نیز به همراه تعدادی از دوستان پیاده به تپه‌های قیطریه رفتیم و پس از اقامه نماز راهپیمایی بزرگی از آنجا به سمت میدان انقلاب با نظم و آرامش مثال‌زدنی انجام شد.

آن روز مردم با شاخه‌های گل و بوسیدن سربازها در طی مسیر مثل شعارهای «برادر ارتشی چرا برادر کشی»، نیروهای نظامی را به انفعال کشاندند.

* فردا ۸ صبح میدان شهدا

در همین راهپیمایی بود که مردم با هم قرار گذاشتند تا ساعت صبح فردا یعنی روز جمعه ۱۷ شهریور در میدان شهدا (ژاله) حاضر شوند. رژیم شاه با شنیدن این موضوع که مردم قصد حضور در میدان شهدا و تظاهرات علیه رژیم را دارند، هراسان طی جلسه اضطراری که در شورای امنیت برگزار شد، تصمیم به برقراری حکومت نظامی آن هم از ساعت‌های اولیه صبح در تهران و تعدادی از شهرها از جمله قم، مشهد، تبریز و اصفهان گرفت.

* دلیل اصلی تظاهرات مردم، کشتار عده زیادی از مخالفین در حسینیه علامه نوری

دلیل اصلی‌ای که مردم در راهپیمایی روز ۱۶ شهریور قرار حضور در میدان شهدا (ژاله سابق) و تظاهرات علیه رژیم را گرفته بودند به خاطر این بود که رژیم شاه عده زیادی از مخالفین را در حسینیه علامه نوری در خیابان ژاله به شهادت رسانده بود، چرا که این مکان به مقری برای انقلابیون و فعالیت آنها علیه رژیم تبدیل شده بود و رژیم بسیار از این موضوع نگران بود.

روز ۱۷ شهریور از ساعت‌های اولیه صبح مردم از اقصی نقاط شهر به ویژه مناطق مرکزی و جنوبی به سمت میدان شهدا حرکت کردند در بین آنان زنان، کودکان و سالمندان نیز دیده می‌شدند. مکان اصلی تجمع مقابل سینما ملت (سیلوانا) بود، من نیز در آن زمان تنها ۱۷ سال داشتم و در همان ساعت‌های اولیه مقابل پمپ بنزین میدان حاضر شدم.

در ساعت‌های اولیه جمعیتی قریب به ۵ هزار نفر در میدان تجمع کردند و نظامیان شاه که از روز قبل موضوع را فهمیده بودند نیروهای خود را با ماشین‌های نظامی مثل ریو، جیپ نظامی و گاز که به سلاح‌های ژ ۳ و یوزی مجهز بودند به میدان شهدا و خیابان‌های اطراف آمده و در مقابل تجمع کنندگان قرار گرفتند. آنها ابتدا برای متفرق کردن مردم به سمت دیوارها تیراندازی کردند.

* شعاری که سبب خشم رژیم شد

ساعت ۸.۵ زمانی بود که ماموران با دیدن جمعیت زیادی که در اطراف میدان شهدا و خیابان اطراف جمع شده بودند، وحشت زده شده و ابتدا سه بار اخطار دادند، اما مردم همچنان شعارهایی مثل مرگ بر شاه، درود بر خمینی و شعار «ارتش به این بی‌غیرتی هرگز ندیده ملت» را سر دادند که این شعار باعث خشم و عصبانیت آنها شد و سبب گردید نیروهای نظامی به سمت مردم تیراندازی کنند.

ابتدا ۱۰ تا ۱۵ نفر از مردم به شهادت رسیدند اما آمار کشته‌شدگان لحظه به لحظه زیادتر می‌شد و در بین شهدا، کودکان و

نوجوانان و مردان و زنان زیادی دیده می‌شد. مردم با دیدن کشته شدن عده زیادی از راهپیمایی کنندگان، تعدادی از بانک‌ها و فروشگاه قدس (کروش) را به آتش کشیدند. عناصر شاه تعدادی از اجساد مردم را به پزشکی قانونی انتقال دادند و عده دیگری را به نقاط نامعلومی برای دفن کردن انتقال دادند.

من نیز به همراه تعدادی از دوستان به یکی از خیابان‌های فرعی فرار کردیم، تعداد شهدا در ساعت‌های اولیه حدود ۴۰۰ شهید بود اما بعد از ساعت‌های اولیه این حادثه؛ به صورت انفرادی و در خیابان‌های اطراف تعدادی نیز به شهادت رسیدند. این تعقیب و گریز تا ساعت‌های اولیه شب ادامه داشت و پیکر شهدا از میدان تا اداره برق نزدیک آن بر روی زمین افتاده بود و خون‌های شهدا در سطح خیابان چهره دلخراشی را ایجاد کرده بود به طوری که مأمورین آتش‌نشانی برای پاک کردن این صحنه‌ها کف خیابان را می‌شستند.

۱۸ شهریور یعنی یک روز بعد از حادثه مردم اجساد شهدا را به بهشت زهرا انتقال دادند، اما رژیم شاه از ترس اعتراضات مردم و پخش اعلامیه‌های حضرت امام نیروهای گارد خود را روانه بهشت زهرا کرد.

* خرابکار نامیدن شهدای ۱۷ شهریور توسط رسانه‌های خارجی

رسانه‌های خارجی خبر تظاهرات و کشتار مردم در جمعه سیاه میدان شهدا را نوعی خرابکاری و افراد شرکت‌کننده را خرابکار نامیدند. این حادثه توسط شبکه بی‌بی‌سی انگلیس و خبرگزاری تاس مسکو انعکاس ویژه‌ای داشت. جنایات نظامیان شاه تنها از طریق اسلحه‌های فردی صورت نمی‌گرفت بلکه تیمسار خسرو داد از نظامیان برجسته شاه از طریق بالگرد مردم را مورد هدف قرار می‌داد همان فردی که پس از پیروزی انقلاب جزو اولین اعدام شد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۸۰۰/روایت-شاهد-جمعه-عینی-شاهد-روایت/۲۲۸۰۰>